



## بیاض تاج‌الدین احمد وزیر [مورّخ ۷۸۲ق]

### نذیر احمد\*

#### ترجمه سید حسن عباس\*\*

**چکیده:** این مقاله به معرفی بیاض تاج‌الدین احمد وزیر اختصاص دارد که به درخواست تاج‌الدین احمد وزیر، از دانشمندان آن روزگار، به دست تعدادی از افراد و شخصیت‌های معروف آن روزگار گرد آورده شده است. درباره تاج‌الدین احمد وزیر هیچ اطلاعی در دست نیست. اما وی در شیراز بوده و شاید وزیر شاه شجاع باشد. کم و بیش ۷۵ عالم بر دعوت او جواب گفته و این بیاض از رجب ۷۸۲ تا ذیقعدۀ ۷۸۲ در حدود شش ماه مشتمل بر هزار صفحه به پایان رسیده است.

در این مقاله فهرست مطالب بیاض به اختصار همراه با نام مؤلف، نام کاتب و تاریخ کتابت آمده و به افتادگی‌ها و جا به جایی برگ‌ها اشاره شده است. از طریق این مجموعه نام صدها عالم و فاضل سده هشتم ق معلوم می‌شود. وجود نام برخی افراد مشهور مانند معین‌الدین جنید واعظ شیرازی، عضدالدین ایچی، صدرالدین بزغش شیرازی، عمادالدین قزوینی، سید شریف جرجانی در این بیاض از جمله ویژگی‌های درخور اهمیت این مجموعه است. در بیشتر بیاض‌ها اشتباهات زیادی به چشم می‌خورد، زیرا نسخه اصل مرتب از دسترسی دور می‌باشد، بنابراین در نسخه‌ها اشتباه راه می‌یابد. اما بیشتر بخش‌های بیاض تاج‌الدین از اشتباهات پاک است. همچنین نمونه‌های خط عربی و فارسی از چنین علما در تاریخ نویسی خطوط بسیار حائز اهمیت است.

چهار منظومه از حافظ، منشئات جلال‌الدین فریدون بن عکاشه، فتح‌نامه اصفهان از جلال‌الدین منشی الممالک، اشعار سلطان ابوسعید، ابیاتی از سید عزالدین مطهر، نظام‌الدین حسن آملی، ناصرالدین خطیب شفعوی و دیگران از جمله مندرجات مهم این بیاض است. در میان شرکاء بیاض چند نفر از افراد خانواده فالی نیز دیده می‌شود.

**کلید واژه:** بیاض تاج‌الدین احمد وزیر؛ تاج‌الدین احمد وزیر؛ تاریخ خط؛ فالی (خانواده)؛ دانشمندان شیراز؛ شیراز؛ خواجه حافظ شیرازی.

\* استاد ممتاز دانشگاه اسلامی علیگر - هند.

\*\* دکترای زبان و ادبیات فارسی؛ دانشیار دانشگاه هندوی بنارس - هند.

کج نامه بهارستان: در آستانه انتشار این شماره باخبر شدیم که متأسفانه دکتر نذیر احمد در مه‌ماه ۱۳۸۷ بدرود حیات گفتند. بدین وسیله حضور ادبای فارسی زبان، بخصوص فضیلائی شبه‌قاره تسلیم عرض می‌نمائیم.

در زبان فارسی بیاض‌های قدیمی [نسبۀ زیادی] وجود دارد. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، قدیمی‌ترین بیاضی که دارای تاریخ است، مؤنس الأحرار کلاتی اصفهانی است.<sup>۱</sup> این بیاض در ۷۲۰ق در اصفهان به پایان رسیده و نسخه منحصر به فرد آن در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علی‌گر در ذخیره حبیب‌گنج نگهداری می‌شود. بیاض دیگر که بسیار بزرگ و معروف است، مؤنس الأحرار جاجرمی است که نسخه‌های متعددی از آن وجود دارد. این بیاض در ۷۴۱ق تکمیل شد و گردآورنده آن بدرالدین جاجرمی شاعر است. بیاض مذکور در دو جلد در تهران به چاپ رسیده است.<sup>۲</sup> بیاض قابل ذکر دیگر مجموعه لطایف و سفینه ظرایف نام دارد. گردآورنده آن سیف جام هروی است. او در هند این کار را در عهد فیروز شاه تغلق (۷۵۲-۷۹۰ق) آغاز کرده و بسیار بعد از مبارک‌شاه سلطان شرقی (د: ۸۰۳ق) در آن مشغول بود. دو نسخه از این بیاض پر حجم دستیاب است: یکی در دانشگاه کابل و دیگری در موزه بریتانیای لندن. علاوه بر این، بیاض‌های دیگری هم وجود دارد که در کار تدوین شعر فارسی مطالعه آن بسیار حائز اهمیت است. در سطور ذیل معرفی بیاض تاج‌الدین وزیر منظور است. این بیاض در ۷۸۲ق به تکمیل رسید. در اصل یکی از دانشمندان آن روزگار، تاج‌الدین احمد وزیر، بیشتر از افراد و اشخاص معروف روزگار خود، تقاضای آماده کردن بیاض مذکور را کرد. برنامه او این بود که هر کس با دست خود چیز مورد پسند خود را برگزیند. در این کار هیچ‌گونه

<sup>۱</sup> نگارنده درباره آن مقاله‌ای به اردو در مجله فکر و نظر، علیگر (اکتبر ۱۹۶۱) چاپ کرده است که سپس در مجموعه مقالات بنده «تحقیقی و تاریخی مطالعی» (اردو) شامل گردید.

<sup>۲</sup> به کوشش محمد صالح طبیبی، در دو جلد (ج ۱: ۱۳۳۷، ج ۲: ۱۳۵۰)، در تهران انتشار یافت.

محدودیت وجود نداشت، نظم باشد یا نثر، به زبان عربی باشد یا به زبان فارسی. به هر حال بیش و کم هفتاد و پنج عالم بر دعوت او جواب گفته و با دست خود نظم و نثر را برگزیدند و پیش وزیر فرستادند. بدین صورت این بیاض مشتمل بر حدود هزار صفحه به پایان رسید. عموماً انتخاب کلام هر کس با ضبط تاریخ آمده است. ظاهراً آغاز کار در رجب ۷۸۲ و پایان کار در ذیقعدة ۷۸۲ بوده است. یعنی در حدود شش ماه این بیاض نادر و قطور به معرض وجود درآمد.<sup>۳</sup>

درباره تاج‌الدین احمد وزیر<sup>۴</sup> هیچ اطلاعی در دست نیست. در کتب تواریخ هم ذکرش دیده نمی‌شود. البته معلوم می‌شود که او وزیر شیراز بود و این عهد شاه شجاع (۷۵۹-۷۸۶ ق) است، لذا احتمال دارد که او وزیر وی باشد. چون این بیاض در شیراز گرد آمده است، حدس زده می‌شود که تاج‌الدین احمد وزیر متعلق به شیراز بوده است.

از یک بیت فخرالدین محمود فالی<sup>۵</sup> گرد آورنده تحفة الأخوان<sup>۶</sup>، به دست می‌آید که اسم پدرش محمد و جدش، احمد بوده باشد. بدین ترتیب اسم کامل وزیر چنین باید باشد: تاج‌الدین احمد بن محمد بن احمد و بیت مذکور این است:

محمد باب، احمد نام، احمد خوی، احمد جد

معطر جیب، مشک اخلاق، شمس انوار، زرافشان  
بنابر فرمایش وزیر، فخرالدین فالی رساله تحفة الأخوان را گرد آورد و در این جایگاه خاص در مجموعه مورد بحث شامل نمود. در آن ذکر گرد آورنده به قرار زیر آمده است:

همگنان را معلوم که دأب محمود و خصال مشکور  
جناب مکارم شعار محامد دثار، بیت:

محمد باب، احمد نام، احمد خوی، احمد جد (الخ)  
بر حدقة ارباب دانش مزبور، و بر سطح حدیقه سینة  
بینش مکتوب و مسطور است و وفور شره و شعفش در  
اکتساب کمالات و استجلاب انواع سعادات از انفاس  
و اخلاق اکابر و اصاغر چون روز روشن باهر و ظاهر،  
كما قال والذی - رحمه الله تعالی - ،

شعر

لکل من ابناء الزمان لعادة

وما عادتى الا اکتساب الفضایل

درین ایام خواست که به مقتضی

شعر

جمال الفتی علم وحلم وحکمة

وما جزاها الا النفوس الکواسل [حاشیه: الکوامل]

دست<sup>۷</sup> از دامن غطلت و کسل به گریبان علم و عمل زده  
برخی از عمر چون نخل از ثمار فضلا اقتطاف لطایف،  
و چون عطشان از زهاب نهر زاهر و بحر زاخر طرفا  
اغتراف فواید نماید. و چون دانست که بی سفینه بر جزایر  
این دریای عمیق محیط نتوان شد، و بی فلک بر فلک  
این بحور مرور و عبور نتوان کرد، روی دل بدان نهاد تا  
نوح وار به تیشه اندیشه، صحف و الواح این سفینه نفیسه فراهم  
چید، تا به ذریعة آن از قعر بحر خواطر اصحاب دها و شهامت،  
و ارباب فصاحت و حصافت، با احرار جواهر زواهر معانی  
دلگشای و ادخار ذرر فاخر فواید جان افزای فاین تواند شد.  
در آخر این رساله کوچک، ابیات مدیحه از یک قطعه  
آمده است [ع ۸۵-۸۶؛ ج ۱: ۱۲۶]:

<sup>۳</sup> بیاض تاج‌الدین احمد وزیر، چاپ عکسی، به کوشش ایرج افشار و مرتضی تیموری (اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۳). فهرست آن از اغلاط پاک نیست. برگها نیز جای جای نامرتب است. ولی از چاپ آن در ادب فارسی، اضافه قابل قدر است.

<sup>۴</sup> او را با همنام وی تاج‌الدین وزیر، نباید خلط کرد که حدوداً دو قرن پیش، در زمان سلطان ابوالفتح مسعود، وزیر فارس و شیراز بود و ذکر فهم و فراست و عقل و تدبیر وی را صاحب شیرازنامه (ص ۶۹) آورده است.

<sup>۵</sup> خانواده فالی در شیراز از آغاز سده هفتم قریب به ۱۷۵ سال منصبدار قضا بودند. درباره این خانواده نگارنده مقاله‌ای به انگلیسی در مجله بیاض، دهلی (مارس ۱۹۷۸) به طبع رسانده است.

<sup>۶</sup> رک: بیاض تاج‌الدین احمد (ص ۶۵) [ج ۱: ۱۱۴]، در بیاض اوراق بی ترتیب‌اند.

<sup>۷</sup> اکثر دانشمندان پس از انتخاب کلام، تعریف تاج‌الدین وزیر کرده‌اند اما لااقل در آغاز دو انتخاب دیگر، ذکر این کار تاج‌الدین کمی مفصل آمده و علم و فضل وی را ستوده‌اند. در میان آنان دانشمندی غیاث‌الدین منصور است که در ابتدای انتخاب وی عبارت زیر آمده است:

«انتظام الأمور بالرأى الصائب والأمر الغالب، صاحب الأعظم الأکرم الأفخم، معدن الجود والکرم، المتحلل بالأخلاق ومحاسن الشیم، الذى یلازم امور الحق و یدوم الشفقة على الخلق، تاج الحق والدين، راحة الفقراء والمساکين احمد اعلى الله تعالى شأنه (الخ)» (ص ۱۶۸) [ج ۱: ۱۲۶].

پس از آن قطعه‌ای در تعریف وزیر نوشته که بدین طور آغاز می‌شود [ع ۱۷۰؛ ج ۱: ۲۱۸]:

ألا یا أمان الأرض ذمت معظماً  
نصرت بنصر الله نصرأ من السماء  
وجودک فضل الله لطفأ لورى  
وجودک فى الأفاق بحر اذا ظما

دانشمند دیگر صاعدین محمد بن صاعد الخراسانی است که ذکر وزیر را چنین آورده است:

«الصاحب الأعظم الأکرم، ذاللقلم الجارى الى الخیرات السابق، الأفتناء الباقیات الصالحات، جامع فنون الفضایل، حاوی محاسن الخصایل، صاحب النفس القدسیة والکمالات الأنسیة، منبع اخلاق الأخیار، منشاء حسنات الأبرار (الخ)» (ص ۴۲۲) [ج ۱: ۴۷۶].

خود را درج کرده‌اند، بیشتر ممتازند. گزیده اول مشتمل بر عربی، فارسی، شعر و نثر است. به نظر می‌رسد که برگ آخرین آن افتاده است. در نتیجه آن اسم انتخاب‌کننده معلوم نیست. اما نظر نگارنده این است که این مقدمه آن مجموعه است و به خوبی ممکن است که کاتب آن خود تاج‌الدین احمد وزیر باشد. نام این مجموعه «کنز الجواهر من لطایف الأکابر» است. اساس حدس بنده عبارت زیر است:

والحمد لله على كل حال وهو الموفق لكل خير في الحال  
والمآل. ولما كان غرائب الجواهر المنتظمة في هذا العقد  
من اصناف اكابر الأعيان واعيان الأکابر وُسِّمَ بكنز  
الجواهر من لطائف الأکابر مطابقة بين اسمه ومسماه  
ولفظه وفحواه، متع الله بامثاله صاحبه وانجح كما اراد  
مطالبه بالنبي المختار وآله الأطهار.

[ع ۴-۵؛ ج ۱: ۵۱]

#### [فهرست مطالب بیاض]

پس از این کلمات آغازین، فهرست مجموعه مزبور در زیر آورده می‌شود:

۱. باکورة الأذب، به قلم شیخ معین‌الدین جنید واعظ (صاحب شد الأزار)<sup>۸</sup> به عربی، با یک قصیده فارسی (ص ۱۷-۳۵).

۲. انتخاب، به قلم سید شریف جرجانی [برگ‌های بعدی افتاده است]، فقط عنوان بدین گونه آمده است:

قد جمعه المولى المرتضى الأعظم علامة علماء العالمين  
زين الملة والدين على المدعو بسيد الشريف الجرجاني  
اعلى الله قدره [ص ۳۶].

۳. انتخاب، به قلم افضی قضاة الاسلام قطب‌الدین محمد فالی (ص ۵۶). [گزیده‌های اشعار عربی با شعرهای خود] بدین صورت ترتیب برگ‌ها جابه‌جا شده است. گزیده‌های او از ص ۳۷ تا ۵۵؛ آخر ناتمام.

۴. گزیده‌های عبارات عربیه نجم‌الدین محمود المذهب (ص ۶۲). [برگ‌ها جابه‌جا است. گزیده‌ها در مجموع پنج صفحه دارد: ۵۷ تا ۶۱].

۵. تحفة الأخوان فی تقسیم جوهر الانسان، تألیف فخرالدین محمود بن ابی‌الخیر فالی، این رساله چند صفحه‌ای به خط خود فخرالدین محمود است.<sup>\*</sup> اینجا نیز صفحات جابه‌جا شده است. [ترتیب درست بدین صورت است: ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۸۲، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۸۳، ۸۶].

ای صاحب با علو همت

دی از در صد هزار مدحت

از روی تواضع و مروّت

وز کوی تو دد و فتوت

یادی که ز دوستان نمودی

«جزوی» که به مخلصان سپیدی

نمود عجب ز خلق و خویت

نز عادت طبع نام جویت

از حرف تواضعت نقط بود

وز گنج مکارمت سقّط بود

ز اخلاق مبارک تو حرفیست

ز انفاص مطیب تو طرفیست

آن «جزو» لطیف نغز زیبا

بر لفظ رکیک و خط رسوا

سرتاسر آن سیاه کردم

«مجموعه» از آن تباہ کردم

با جمله عاملان فاضل

چون جمع کنی رهی جاهل

زین عیب در آن کتاب باشد

زین حشو در آن حساب باشد

پوشیده نباشد از جنابت

وز رای و تفکر صوابت

کان قصر که بس لطیف باشد

در جنب دمن نظیف باشد

کردم ز برای هر گزندی

در آتش ازین نمط سپندی

تا چشم بد حسود باشد

چشم بد از آن وقود باشد

هر کس ز اصاغر و اعالی

واز اصحاب فضایل و معالی

میل دل اگر بدان سپارد

وامعان نظر بر آن گمارد

کز آب کرم وضو نماید

پود زلشش رفو نماید

لطفی بود آن ز لطفه‌اشان

بوئی بود آن ز خلقه‌اشان

تکرار کنم دعای احمد

کالهام چنین که عود احمد

در ترتیب این بیاض هیچ اصول ویژه‌ای را مد نظر نداشته، نه به اعتبار مطالب، مندرجات آن آمده و نه به لحاظ نظم و نثر، یا نه از نظر عربی و فارسی بودن آنها. این هم معلوم نمی‌شود که کلام فضیلابی که اول آمده، از کسانی که بعداً گزیده‌های

<sup>۸</sup> شد الأزار، با تصحیح و تحشیه میرزا محمد قزوینی و عباس اقبال در ۱۳۲۸ به چاپ رسید. عیسی فرزند جنید آن را به فارسی به نام هزار مزار ترجمه کرده است که توسط کتابفروشی احمدی و جهان نما شیراز در ۱۳۲۰ انتشار یافت. هزار مزار دوباره به کوشش دکتر نورانی وصال به طرز ممتازی تصحیح شد و در سال ۱۳۶۴ در شیراز توسط کتابخانه احمدی به چاپ رسید.



۶. یادداشت مختصر، با امضای بدون تاریخ محمد بن محمود بن ابی‌الخیر فالی فرزند فخرالدین محمود فالی برای همین موقع در زیر تحریر پدرش (ص ۸۶).
۷. یک برگ از انتخاب محمد بن سلیمان بن عبدالصمد. ترقیمه موجود است. این برگ دارای ابیاتی چند به عربی است، آغاز ناقص و تاریخ کتابت: ۲۵ شعبان ۷۸۲ در شیراز (ص ۶۷).
۸. عبارت عربی در اخلاق، از عقیف‌الدین مسعود بن سعید بن مسعود کازرونی (ص ۸۷-۱۰۶).
۹. انتخاب نظم و نثر عربی، از امام‌الدین ابوالکرم محمد بن عبدالمحسن بن ابی‌بکر بن احمد بن ابی‌غسان فالی، به قلم خودش. تاریخ کتابت: اوایل شعبان ۷۸۲ [ص ۱۰۷-۱۱۶].
۱۰. انتخاب نظم و نثر فارسی و نظم عربی، از غیاث‌الدین لطف‌الله ابرقوهی مشهور به منشی. تاریخ کتابت ۲۸ رمضان ۷۸۲ (ص ۱۲۷-۱۴۶).
۱۱. رساله منظوم، از شرف‌الدین عمر شبانکاره<sup>۹</sup> مشتمل بر حروف مفرده (ص ۱۴۷-۱۶۵).
۱۲. رساله مختصر به عربی، از غیاث‌الدین منصور المهدی، در چهار باب. در ذیل آن به ترتیب اعداد دو، سه، چهار، پنج سخن مناسب آورده شده است. در مقدمه ذکر تدوین بیاض آمده است. تاریخ کتابت: اواخر رجب ۷۸۲ (ص ۱۶۶-۱۸۵).
۱۳. انتخاب نظم و نثر عربی، از شریف‌الدین زاهد القیری<sup>۱۰</sup> بنا بر استدعای تاج‌الدین احمد وزیر آمده است. [تاریخ کتابت: ۲۲ رجب ۷۸۲ در شیراز] (ص ۱۸۶-۲۰۲).
۱۴. انتخاب عربی، از عماد‌الدین قزوینی مشتمل بر احادیث و اقوال (ص ۲۰۳-۲۲۲).
۱۵. انتخاب سخنان حضرت علی (ع) و اشعار دیگر عربی، از احمد بن علی بن اشرف الحسنی. ظاهراً برگ‌های آغازین افتاده است (ص ۲۲۳-۲۴۲).
۱۶. کتابت یحیی بن معین، انتخاب مقطعات ابن‌یمین. از سطرهای آخرین معلوم می‌شود که برگی چند افتاده است (ص ۲۴۳-۲۵۶).
۱۷. انتخاب مختصر از احادیث و اخبار و ابیات عربی و فارسی [ص ۲۵۷-۲۶۳]. به خاطر فاقد بودن برگ‌های آغازین و آخرین نام کاتب معلوم نشد.
۱۸. دعای دفع کرب، با امضای شیخ شمس‌الدین
- محمد بن فخرالدین بن کمال شبانکاره، پس از آن روی همان صفحه انتخاب از کتاب الحججه آمده اما فقط یک برگ دارد. (ص ۲۶۴-۲۶۶).
۱۹. انتخاب از یک رساله مختصر فارسی در اخلاق، از قوام‌الدین ملک‌شاه. ناقص الآخر (ص ۲۶۷-۲۸۷).
۲۰. انتخاب مختصری از حدیث و ادب و شعر فارسی و عربی. آغاز ناقص، کاتب نامعلوم. (تاریخ کتابت: اواخر شعبان ۷۸۲) (ص ۲۸۸-۳۰۷).
۲۱. انتخاب سه صفحه‌ای در عربی و فارسی، از جلال‌الدین فرج‌الله بن رضوان نیریزی (ص ۳۰۸-۳۱۱).
۲۲. چند صفحه از کتابت فارسی شیخ امین‌الدین محمد بن حسین کونکانی، مشتمل بر سخنان صوفیه، تاریخ کتابت: رجب ۷۸۲ (ص ۳۱۲-۳۳۱).
۲۳. گزیده‌هایی از اشعار دیگران و خود ناصرالدین خطیب شفقوی، به فارسی، عربی و لهجه شیرازی. تاریخ کتابت: ۷۸۲ ق (ص ۳۳۲-۳۵۱).
۲۴. گزیده‌هایی از کلام مصطفی (ص) و سخنان مرتضی (ع)، از علاء‌الدین علی قزوینی همراه با یک رساله کوچک «آفتاب و ماه»، تاریخ کتابت: ۱۰ شعبان ۷۸۲ (ص ۳۵۲-۳۷۱).
۲۵. اشعار شاعران مختلف، به خط نظام‌الدین علی بن محمد حسینی. تاریخ کتابت: رمضان ۷۸۲ (ص ۳۷۲-۳۸۳).
۲۶. یک رساله عربی در عرفان همراه با گزیده‌های عربی و فارسی. کتابت جمال‌الدین سروی (ص ۳۸۴-۴۰۳).
۲۷. نامه از محمد بن تغلق به تاریخ ذی‌الحجه ۷۲۹. پاسخ سلطان ابوسعید به تاریخ محرم ۷۳۱<sup>۱۱</sup> با یک رقعہ. کاتب نامعلوم (ص ۴۰۴-۴۱۴).
۲۸. وصیت شیخ شهاب‌الدین سهروردی (عربی)، کاتب و انتخاب‌کننده عبدالصمد ابن عثمان بن محمد الخراسانی. تاریخ کتابت: ۲۸ شعبان ۷۸۲ (ص ۴۱۵-۴۱۶).
۲۹. یک انتخاب مختصر به عربی، به قلم مسعود بن محمد در اول رمضان ۷۸۲ برای سفینه تاج‌الدین احمد (ص ۴۱۷-۴۲۱).
۳۰. یک رساله مختصر عربی در اخلاق، به قلم صاعد بن محمد بن عثمان الخراسانی. تاریخ کتابت: یکم رمضان ۷۸۲. در مقدمه مدح تاج‌الدین وزیر، با عرض تدوین بیاض آمده. (ص ۴۲۲-۴۳۰).

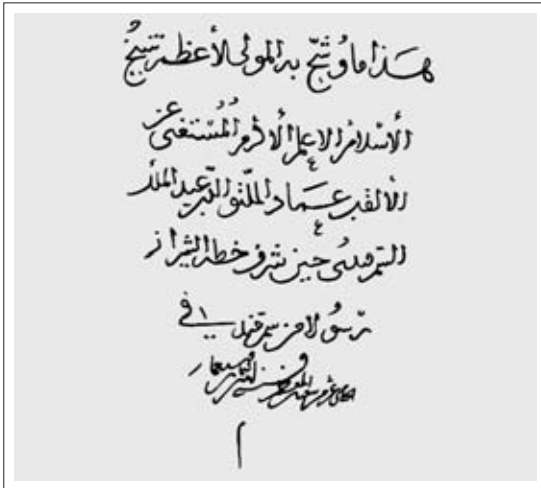
<sup>۹</sup> شبانکاره خطه‌ای در جنوب و فارس و صدر مقام آن ایگ (ایچ) بود. قاضی عضد‌الدین ایچی شبانکاره‌ای نیز گفته می‌شود. رک: شد الزار [ص ۶۷] (حاشیه).

<sup>۱۰</sup> قصبه‌ای در جنوب شیراز.

<sup>۱۱</sup> این تاریخ‌ها متعلق به فرمان اصلی است و بعداً در کتابت درآمده است. احتمال است که در ۷۸۲ ق کتابت شده باشد. کاتب نامعلوم و نامه‌ها از اغلاط مبراً نیستند.

<sup>۱۲</sup> به نظر می‌رسد که این عم صاعد بن محمد بن عثمان خراسانی (نمره ۳۰) است.





ت ۲: برگه از بیاض (نسخه برگردان، ص ۴۴۱).

- الف - فتح نامه اصفهان<sup>۱۵</sup> (ص ۵۱۳ - ۵۱۸).
- ب - در جواب شیخ صدرالدین محمد پسر شیخ قطب‌الدین<sup>۱۶</sup> جام (ص ۵۱۹ - ۵۲۲).
- ج - به نام سلطان المشایخ برهان‌الدین (ص ۵۲۲ - ۵۲۵).
- د - در جواب شیخ الاسلام معین‌الدین خراسانی (ص ۵۲۵ - ۵۲۸).
۴۰. انتخاب نظم و نثر عربی. ناقص الآخر، نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. (ص ۵۲۹ - ۵۳۳).
۴۱. انتخاب اخبار و احادیث، به خط سلیمان بن محمد بن سلیمان (ص ۵۳۴ - ۵۴۶).
۴۲. انتخاب نظم و نثر عربی، به خط محمد بن ابراهیم ابن عبدالله بن ابی بکر بن محمد السروستانی، به تاریخ غرة رمضان ۷۸۲. ظاهراً آغاز ناقص (ص ۵۴۶ - ۵۵۳).
۴۳. انتخاب اشعار فارسی و عربی، به خط خلیفه بن علی بن خلیفه خفری، به تاریخ اواخر رمضان ۷۸۲، آغاز ناقص (ص ۵۵۴ - ۵۵۵).
۴۴. اشعار فارسی و عربی، بدون نام کاتب، آغاز و پایان ناقص (ص ۵۵۶ - ۵۶۲).
۴۵. انتخاب اشعار و حکایات فارسی، شامل یک قطعه از حافظ به خط احمد بن محمد حسینی، تاریخ کتابت: ۸ رجب ۷۸۲ (ص ۵۶۳ - ۵۸۱).
۴۶. انتخاب اشعار فارسی، به خط قطب‌الدین باغ‌نوی<sup>۱۷</sup>. ناقص الآخر (ص ۵۸۷).

۳۱. کتابت محمد بن عبدالمجید نیلی شیرازی، امام جامع سنقری. به تاریخ ۸ رجب ۷۸۲. یک صفحه اخبار عربی، آغاز ناقص و شاهد افتادگی برگ یا برگ‌ها است. (ص ۴۳۱).

۳۲. اشعار فارسی، به خط شهاب‌الدین بن مرحوم شمس‌الدین محمد شهاب. اشعار حافظ شیرازی و عماد فقیه. به تاریخ شوال ۷۸۲ (ص ۴۳۳ - ۴۴۰).

۳۳. توشیح ابواحمد عمادالدین بن عصام‌الدین عبدالملک بن ابی بکر بن محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر ابن علی سمرقندی صاحب الهدایه<sup>۱۸</sup>، هنگام رسالت از سمرقند به شیراز، به تاریخ ۱۱ شعبان ۷۸۲. اقوال صوفیانه با شعرهای سلسله، همراه اشعار کاتب (ص ۴۴۱ - ۴۴۶).

۳۴. انتخاب و کتابت اشعار عربی و فارسی، (از آن جمله خمسة نظامی) از خواجه جلال‌الدین نعمان بن محمد بن اصیل، به تاریخ شعبان ۷۸۲ (ص ۴۴۷ - ۴۶۳).

۳۵. ترجیعات عراقی و رباعیات عربی نظام‌الدین اصفهانی. به خط جلال اناری، تاریخ کتابت: ذیقعه ۷۸۲. آغاز ناقص، برگ افتاده (ص ۴۶۴ - ۴۸۱).

۳۶. اخبار رسول (ص) چند اشعار نعتیه با نسخه ادراری برای قضات اردبیل معروف به بنی کاکله<sup>۱۹</sup> از طرف حضرت عمر با تصدیق حضرت علی (ع). از روی خط جمال‌الدین حاجی منشی‌الممالک. افتادگی دارد. (ص ۴۸۲ - ۴۸۵).

۳۷. رساله عربی نظم و نثر. کاتب محمد بن احمد بن محمد الطیب، به تاریخ شعبان ۷۸۲ برای تاج‌الدین احمد وزیر. آغاز ناقص (ص ۴۸۶ - ۴۹۷).

۳۸. انتخاب احادیث و اخبار و اشعار عربی و فارسی، به خط رکن‌الدین منصور بن یحیی بن منصور، برای فخرالدین احمد، تاریخ کتابت: ذیقعه ۷۸۲. ظاهراً مراد از فخرالدین احمد، تاج‌الدین وزیر است ورنه در این بیاض جواز شمولیت این انتخاب نبوده. (ص ۴۹۸ - ۵۱۲).

۳۹. انشای منشی‌الممالک جمال‌الدین حاجی، به خط مؤلف برای تاج‌الدین احمد وزیر، تاریخ کتابت: رمضان ۷۸۲.

در این انشا اجزای زیر شامل است:

۱۳ کتاب الهدایه یکی از معتبرترین کتاب‌های فقه حنفی، تألیف ابوالحسن علی بن ابی بکر مرغینانی (سمرقندی) و از نوشته عمادالدین معلوم می‌شود که اسم فرزندش ابوبکر بود.

۱۴ همین نسخه با تصدیق حضرت علی (ع)، دوباره (ص ۷۱۵) [ج ۲: ۲۳۳] به خط خواجه جمال‌الدین ساوجی در بیاض مذکور آمده است.

۱۵ در موقع فتح اصفهان به دست شاه شجاع در ۷۶۸ ق اجرا شده بود.

۱۶ قطب‌الدین جام، پدر شیخ الاسلام احمد جامی معروف به «ژنده پیل» (د: ۵۳۶ ق) و یکی از مشایخ معین‌الدین احمد زرکوب شیرازی صاحب «شیراز نامه» بود.

۱۷ یکی از محله‌های قدیم شیراز. پس از کریمخان زند در محله بالا کفت شیراز شامل گردید. افراد خانواده مؤلف شدلاً آزار در همین محله زندگی می‌کردند. (همان، ص ۱۸۳ حاشیه).

۴۷. انتخاب قرآن و حدیث، به خط قطب‌الدین باغ‌نوی. ناقص الآخر (ص ۵۸۷).
۴۸. انتخاب نظم و نثر عربی و فارسی، به خط ابراهیم ابن عبدالله القاضی سروستان<sup>۱۸</sup>، به تاریخ نیمه شعبان ۷۸۲ (ص ۵۸۸-۶۰۳).
۴۹. انتخاب نظم و نثر عربی، همراه چند شعر فارسی. کاتب نامعلوم، ناقص الآخر (ص ۶۰۴-۶۱۰).
۵۰. مقامات و مقالات عربی، کاتب نامعلوم، ناقص الاول (ص ۶۱۱-۶۱۶).
۵۱. انتخاب نثر عربی، به خط حسن شاه الایجی، به تاریخ ۷۸۲ (ص ۶۱۷-۶۲۰).
۵۲. انتخاب نظم و نثر عربی و فارسی، به خط علاء‌الدین<sup>۱۹</sup> جمال‌الملک بن خواجه عمیدالملک بن محمود بن صائن قاضی، به تاریخ رمضان ۷۸۲ در دارالملک شیراز (ص ۶۲۱-۶۳۸).
۵۳. انتخاب چند قطعه نظم و نثر فارسی، به خط (شرف‌الدین فضل‌الله) شرف‌انام شریفی عبده<sup>۲۰</sup> بلیانی<sup>۲۱</sup>، به تاریخ شعبان ۷۸۲، فقط سه صفحه. (ص ۶۳۹-۶۴۲).
۵۴. انتخاب صحیح بخاری، به خط تاج‌الدین معروف به سید صحیحی، ناقص الآخر، فقط یک صفحه باقی است. (ص ۶۴۵).
۵۵. یادداشت به خط (عضد‌الدین) عبدالرحمن بن احمد بن عبدالغفار (الایجی)، به تاریخ ۱۳ رمضان ۷۵۶<sup>۲۲</sup>، برای شمس‌الدین محمد دامغانی در بلده نیریز، ناقص الاول (ص ۶۴۶-۶۴۷).
۵۶. انشای فریدون عکاشه (رساله ربیعیه و قصیده در مدح جلال‌الدین مسعود) با اشعار عربی و فارسی، به خط فضل‌الله بن نظام، به تاریخ رجب ۷۸۲ (ص ۶۴۸-۶۶۳).
۵۷. انتخاب نظم و نثر عربی، با اشعار خود کاتب یعنی عزالدین مطهر، برای تاج‌الدین احمد وزیر، کتابت نیمه رجب سال ۷۸۲ (ص ۶۶۴-۶۸۳).
۵۸. انتخاب نظم و نثر عربی، به خط محمود بن عمیدالملک سمنانی، به تاریخ یکم شوال ۷۸۲ (ص ۶۸۴-۶۹۴).
۵۹. انتخاب نظم از قصیده لامیه ابو حفص عمر نسفی، با انتخاب اخبار به ترتیب الفبا به خط جلال‌الدین منشی
- برای تاج‌الدین وزیر (ص ۶۹۵-۷۱۱).
۶۰. انتخاب نظم و نثر عربی و فارسی، به خط جمال‌الدین ساوجی. با افتادگی در آخر. (ص ۷۱۲-۷۳۱).
۶۱. انتخاب نظم و نثر عربی، به خط قوام‌الدین<sup>۲۳</sup> ابوالمعالی محمود بن صاعد برای تاج‌الدین احمد وزیر، به تاریخ ۱۸ ذیقعدة ۷۸۲. ظاهراً از آغاز حداقل یک برگ افتاده است. (ص ۷۳۲-۷۵۱).
۶۲. رساله مختصر مشتمل بر چهار باب: ۱. باب العلم ۲. باب العقل ۳. باب الدین ۴. باب الصوفیه، به شرف‌الدین ابراهیم حسینی، ناقص الاول (ص ۷۵۲-۷۷۲).
۶۳. یادداشت به فارسی، به خط صدرالدین بزغش (ص ۷۷۳-۷۹۲).
۶۴. انتخاب از احادیث و نظم و نثر عربی و فارسی، به خط مظفرالدین ملک سلمانی، برای تاج‌الدین احمد، به تاریخ آخر رجب ۷۸۲. لااقل برگ اول افتاده است. سپس دو صفحه دارای اشعار فارسی مربوط به صفحه ۵۵۶ تا ۵۶۲ که جدا شده است. (ص ۷۹۲-۸۱۱).
۶۵. انتخاب از اشعار عربی و فارسی، نظام‌الدین حسن حسنی آملی، به خط مصنف، به تاریخ شعبان ۷۸۲ (ص ۸۱۴-۸۳۰).
۶۶. انتخاب نظم و نثر عربی، از غیث‌الدین ابومسلم بن حسن الطالبی، به خط خود وی برای تاج‌الدین احمد، به تاریخ ۴ رمضان ۷۸۲. برگ اول افتاده است. (ص ۸۳۱-۸۳۵).
۶۷. واقعه هشام و فرزدق با قصیده میمیه، منتخب از کتاب المنتظم ابن جوزی، به خط صاعد بن محمود بن صاعد، به تاریخ ۲۰ رمضان ۷۸۲، برای تاج‌الدین احمد وزیر (ص ۸۳۶-۸۳۹).
۶۸. همین بخش در انتخاب امام‌الدین محمد فالی (ص ۱۲۰-۱۲۱) و انتخاب جمال‌الدین سروی (ص ۳۹۳-۳۹۵) نیز شامل است. در چهار صفحه بعدی انتخاب کشکول بهایی آمده، که گویا این صفحه از بخش اصل مجموعه نیست.
۶۸. کتاب غرائب الأخبار، به خط منشی الممالک جمال‌الدین حاجی (ص ۸۴۴-۸۴۷).
۶۹. چند سطر به خط جلال‌الدین نعمان در ص ۸۸۰ آمده. روشن است که اینجا افتادگی دارد.

<sup>۱۸</sup> یک خطه مردم خیز واقع در فاصله ۱۵ فرسخ در جنوب شرق شیراز. نک: فارسنامه ناصری، ۲: ۲۲۱. <sup>۱۹</sup> نمرة ۵۸ [وجه این ارجاع معلوم نشد. - و.]

<sup>۲۰</sup> شاعر بود و اشعارش در بیاض تاج‌الدین آمده است (ص ۹۴) [ج ۲: ۱۴۵].

<sup>۲۱</sup> بلیان خطه مردم خیز کازرون است که خانواده عرفای آنجا معروف است.

<sup>۲۲</sup> به طور واضح این تاریخ درج است ولی در سفینه ۷۸۲ ق وجود چنین تاریخ محل غور و مسئله صحت است.

<sup>۲۳</sup> فرزند صاعد بن محمود بن صاعد که در شرکاء بیاض بوده است. (نک: نمرة ۶۷).

۷۰. بخش انتخاب محمدبن محمودبن محمد شبانکاره‌ای فاقد است. اینجا نیز افتادگی دارد. (ص ۸۸۰).  
 ۷۱. انتخاب منشئات (ص ۸۸۱-۸۹۲). نه نام انشانویس آمده نه کاتب. برگ‌ها از آغاز و انجام افتاده است.  
 ۷۲. انتخاب اشعار فارسی، به خط شرف‌الدین بلیانی. ناقص الطرفین (ص ۹۱۵-۹۲۱).  
 ۷۳. انتخاب شمس‌الدین محمد صوفی سمرقندی. از بی ترتیبی صفحات غایب معلوم می‌شود. در نظر بنده ص ۸۹۳ تا ۹۱۲ که خود جابه‌جاست از صوفی است. ثبوت این است که دستخط صوفی در ص ۹۱۰ همراه با تاریخ کتابت (رجب ۷۸۲) آمده. ظاهراً ص ۹۱۳ تا ۹۱۴ به خط دیگری است.  
 این مجموعه در سال ۹۱۱ ق نزد شخصی به نام فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی در هرات بوده است. او در چند بیت، تعریف سفینه حاضر را کرده است.

#### [اهمیت و ویژگی‌های بیاض]

حالا درباره اهمیت و ویژگی‌های این مجموعه، سخنی چند عرضه می‌شود.

۱. به توسط این مجموعه نام صدها [ظ: دهها] عالم و فاضل از سده هشتم هجری معلوم می‌شود. با کمک این، حیات علمی و تمدنی آن روزگار به خوبی روشن می‌گردد.

۲. بیاض‌ها یا مجموعه‌ها عموماً به توسط یک نفر گردآوری می‌شود، ولی این مجموعه بدین سبب بی‌نهایت قابل ذکر است که در گردآوری آن بیش از [حدود] ۷۵ عالم و فاضل سهم داشته و هر یک بنابر جهتی دارای اهمیت‌اند.

۳. اکثر در بیاض‌ها اشتباهات زیاد به چشم می‌خورد زیرا که نسخه اصلی مرتب بالعموم از دسترسی دور می‌باشد بنابر این در نسخه‌ها اشتباه راه می‌یابد. بیشتر بخش‌های بیاض تاج‌الدین از اشتباهات پاک است.

۴. نمونه‌های خط عربی و فارسی از چنین علما، در تاریخ‌نویسی خطوط بسیار حائز اهمیت است. به این لحاظ مجموعه دیگری به دشواری به پایة مجموعه حاضر باشد.

۵. از نوشته‌های این تعداد فاضل از اواخر سده هشتم یکی از مهم‌ترین مسایل املائی فارسی یعنی موجود بودن دال و ذال<sup>۲۴</sup> به خوبی روشن می‌شود.

۶. در میان گردآورندگان مجموعه، شهرت برخی افراد تا حال برقرار است لذا در زیر ذکر چند تا از آنان آورده می‌شود:  
 الف: معین‌الدین جنید واعظ شیرازی\* از بزرگان افاضل است. تألیف عربی او شدّ الأزار، که تذکره مهم فضلالی شیراز است، در ۷۹۱ ق به تکمیل رسید. بعداً فرزندش عیسی آن را به فارسی برگرداند. کتاب اول الذکر با ترتیب و تحشیه و تعلیق محمد قزوینی و عباس اقبال در ۱۳۲۸ در تهران منتشر شد. ترجمه فارسی آن به نام هزار مزار، پیش از آن در ۱۳۲۰ به طبع رسیده بود. معین‌الدین واعظ و شاعر بود. دیوانش در ۱۳۳۰ به کوشش سعید نفیسی انتشار یافت.

باکوره الأدب، رساله تازه‌ای است که در این بیاض شامل است و قصیده فارسی او نیز قابل توجه است. ابیات آغازین در زیر آورده می‌شود:

ای جهان پرتو انوار تو سبحان‌الله

دل و جان مخزن اسرار تو سبحان‌الله

عرش تا فرش به یکتائی ذات تو گواه

کوه تا کاه در اقرار تو سبحان‌الله

عقل در دائره عشق تو چو نقطه نگون

فهم سرگشته پرکار تو سبحان‌الله

خاکیان در طلب وصل تو دل‌ها پُر خون

عرشیان سوخته‌زار تو سبحان‌الله

وصف عاجز شده در شرح کمالیت تو

وهم حیران شده در کار تو سبحان‌الله

بر سر طور بلای تو هزاران چو کلیم

خسته افتاده و بیمار تو سبحان‌الله

قوت ناطقه در وصف جلال شده گنگ

بر دولب دوخته مسمار تو سبحان‌الله

گاه اندیشه کند زهره صدیقان آب

هیبت قهر جگرخوار تو سبحان‌الله

شحنه عدل تو هر کس که دم از خویش زده

خوارش آویخته از دار تو سبحان‌الله

دو بیت آخر این است:

بلبل جان جنید از ققص خاکی تن

می‌کشد نغمه اذکار تو سبحان‌الله

فکر او تا به قیامت نکند استحضار

عدد منت بسیار تو سبحان‌الله

[ع ۳۴؛ ج ۱؛ ۸۲-۸۵]

<sup>۲۴</sup> در بیشتر مناطق ایران معمول بود که واژه‌هایی که دال داشته و حرف ما قبل آن متحرک یا از حروف الف، واو و یا، حرفی باشد، به جای دال، ذال می‌آمد. این روش تانوشته‌های قرن نهم ق برقرار بود. در بیاض ۷۸۲ ق بیشتر ذال آمده است اما جای جای دال هم آمده و غالب این است که این تفریق میان مردم یک منطقه دیده می‌شود.



بود، بدین سبب فکر کردم که این تحریر از قاضی مذکور باشد. تاریخ درگذشت قاضی ۷۵۶ ق گفته شده است اما اگر این تحریر از آن قاضی است، وفات او در اواخر سال مذکور اتفاق افتاده باشد.

قاضی عضدالدین عبدالرحمن ایجی شبانکاره‌ای<sup>۲۶</sup> از علمای مشهور قرن هشتم ق است. او تصانیف عدیده دارد. در علم کلام مواقف و شرح مختصر ابن‌الحاجب در اصول فقه بیشتر شهرت دارند. ذکر یکی از مصنفات وی عیون الجواهر در روضات الجنات آمده است. یکی از علمای آن روزگار افتخارالدین محمد دامغانی، شرح آن را نوشته بود. حافظ شیرازی در بیتهی از یکی از قطعات معروف خود به طرف قاضی مذکور، اشاره داشته است:  
دگر شهنشه دانش عضد که در تصنیف

بنای کار موافق به نام شاه نهاد  
جواهر کلام نیز از آن اوست که خلاصهٔ مواقف است.  
این منسوب به غیاث‌الدین<sup>۲۷</sup> فرزند رشیدالدین فضل‌الله می‌باشد.



ت ۳: برگی از بیاض (نسخه برگردان، ص ۱۷).

ب: ظاهراً دو صفحه از نوشته‌های عضدالدین ایجی که به تاریخ ۱۳ رمضان ۷۵۶ در بلدهٔ نیریز برای شمس‌الدین محمد دامغانی نوشته شده، در بیاض تاج‌الدین احمد موجود است. نام کاتب بدین گونه آمده است<sup>۲۵</sup>:  
کتب هذه الأحرف عبدالرحمن ابن احمد بن عبدالغفار  
فی الثالث عشر من رمضان سنة ست وخمسين وسبعماية.  
نام قاضی عضدالدین، عبدالرحمن بن احمد بن عبدالغفار



ت ۴: برگی از بیاض، به خط جنید شیرازی، بی‌تاریخ (نسخه برگردان، ص ۳۳).

<sup>۲۵</sup> بیاض، ص ۶۴۶ [ع ۲: ۱۵۲] برگ‌های آغازین افتاده است. معلوم نیست که چنین نوشتهٔ قدیم در بیاض ۷۸۲ ق چقدر شامل گردیده بوده است. احتمال دارد که این نوشته به دست تنظیم‌کنندهٔ بعدی یعنی فضل‌الله بن نظام و او در زیر تحریر عبدالرحمان، روی همان صفحه، انتخاب خود را آغاز کرده باشد.

<sup>۲۶</sup> ترجمه‌اش در کتب تواریخ و تذکره موجود است. شد الأزار، ص ۶۷ (حاشیه ۳). <sup>۲۷</sup> شد الأزار، ص ۶۷ (حاشیه ۳).



ج: صدرالدین بزغش شیرازی که رساله‌ای مختصر مشتمل بر حکایت چند را در بیاض تاج‌الدین شامل کرده است، یکی از ارکان خانواده بزغش شیراز بود. اولین فرد این خانواده، پدر شیخ نجیب‌الدین علی بزغش بوده که از سوره مهاجرت کرد و به شیراز سکونت ورزید.<sup>۲۸</sup> وقتی شیخ نجیب‌الدین بزرگ شد، میلانش به طرف عرفان و تصوف راغب گردید و به خدمت شیخ شهاب‌الدین سهروردی رسید و خرقة خلافت از او دریافت کرد. در تصوف مقام وی بسیار بلند است. اگرچه او صاحب تصنیف است اما هیچ کتابی از وی یافت نمی‌شود. در سال ۶۷۸ق<sup>۲۹</sup> در شیراز درگذشت. ظهیرالدین<sup>۳۰</sup> عبدالرحمن فرزند شیخ نجیب‌الدین علی جانشین واقعی وی شد. او نیز از شیخ شهاب‌الدین سهروردی خرقة حاصل کرده بود. در تصانیف وی ترجمه عوارف المعارف است که نگارنده درباره آن مقاله‌ای در مجله ایندو ایرانیکا (دسامبر ۱۹۷۴) چاپ کرده است. چند نسخه از این ترجمه را بنده دیده‌ام. شیخ ظهیرالدین عبدالرحمن در ۷۱۸ق وفات یافت و در پهلوی پدر خود مدفون گردید.

صدرالدین<sup>۳۱</sup> جنیدبن فضل‌الله نوه شیخ ظهیرالدین بود. او نیز روایت علم و عرفان خانواده خود را برقرار داشت. او شیخ الاسلام و مرشد کامل عهد خود بود. ذات او مجمع علوم ظاهری و باطنی بود. از حج بیت‌الله مشرف شده و به سوریه و بغداد سفر کرد و از اکابر آنجا استفادة علمی نموده که میان آنها شیخ جبرئیل بغدادی<sup>۳۲</sup>، شیخ جمال‌الدین ابراهیم‌بن ابی‌البرکات<sup>۳۳</sup> حنبلی مالکی، شیخ صلاح‌الدین<sup>۳۴</sup> خلیل بن کیکلدی علائی، شیخ علاء‌الدین علی بن ایوب مقدسی و یک عارف بزرگ زینب<sup>۳۵</sup> بنت احمدبن عبدالرحیم قابل ذکراند. در تصانیف وی ذکر دو کتاب موجود است: یکی مقاوة الأخبار من النقلة الأخبار و دیگری ذیل المعارف فی ترجمة العوارف است. کتاب دوم را راقم سطور در مجله ایندو ایرانیکا (چاپ کلکته)

معرفی نموده‌ام. صدرالدین در ۷۹۱ق یعنی بعد از نه سال از تکمیل بیاض تاج‌الدین درگذشت.

د: در بیاض تاج‌الدین احمد انتخاب و سخنان عمادالدین قزوینی شامل است. این شخص همانم یک معاصر خود بوده که ذکرش در شد الازار<sup>۳۶</sup> به نام عمادالدین محمود قزوینی آمده است. او در زمره افاضل بزرگ و خطاط خوب هم بوده چنانکه معین‌الدین جنید واعظ صاحب شد الازار از خط وی تعریف کرده است. وفات وی در ۷۸۵ق رخ داد و در مصالای شیراز مدفون گردید. در بیاض مذکور اجزایی از خطوط وی شامل است، خوب و صاف است اما نمی‌توان آن را نمونه خوشنویسی قرار داد لذا هر دو را یکی دانستن شبه دارد.\*

ه: در بیاض تاج‌الدین احمد، سید شریف جرجانی<sup>۳۷</sup> نیز شرکت داشته اما متأسفانه برگ‌های نوشته‌هایش مفقود شده و با آن نمونه تحریر وی نیز از میان رفت. سید شریف جرجانی از علمای جامع صفات بود. در علم صرف و نحو بی مانند دانسته می‌شد. شاه شجاع در ۷۷۹ق به استرآباد آمده، وی را همراه خود به شیراز برد و آنجا در مدرسه‌ای که او بنا نهاده بود، وی را خدمت تدریس تفویض کرد. وقتی امیر تیمور به شیراز آمد<sup>۳۸</sup> با متأثر شدن از علم و فضل وی، او را همراه فضلالی دیگر به سمرقند برد. در مجمل فصیحی (۳: ۱۲۹) علاوه بر امیر سید شریف جرجانی نام علاء‌الدین ایناق<sup>۳۹</sup> هم آمده است. این واقعه مربوط به سال ۷۹۰ق است. پس از درگذشت تیمور، او به شیراز بازگشت و همان‌جا در سن ۷۶ سالگی وفات یافت. در تصانیف وی کتاب‌های زیر مشهورند:

حاشیه بر شرح رضی، شرح بر کافیه ابن حاجب، صرف میر، حاشیه بر کتاب مطول، شرح بر مفتاح العلوم، حاشیه بر کشف، رساله تعریفات العلوم، رساله کبری، رساله صغری، ... در آخر مندرجات مهم این بیاض مختصراً آورده می‌شود:

۲۸ همان، ص ۳۳۴، ۳۳۶؛ برای نجیب‌الدین علی، نک: شد الازار، ص ۳۳۴-۳۳۸؛ شیرازنامه، ص ۹، ۷۷.

۲۹ همان، ص ۳۳۶. ۳۰ همان، ص ۳۳۸.

۳۲ جبرئیل بن عمر بن یوسف الکردی (د: ۷۲۳ق)، شد الازار، ص ۳۴۰ (حاشیه).

۳۴ شیخ صلاح‌الدین ابوسعید خلیل بن کیکلدی بن عبدالله العلائی دمشقی الشافعی، متوفی در بیت المقدس در ۷۶۱ق.

۳۵ زینب بنت احمد بن عبدالرحیم بن عبدالواحد بن احمد، مقدسیه معروف به بنات‌الکمال محدثه مشهور از اطراف و اکناف مردمان برای گوش دادن حدیث نزد وی می‌آمدند. مجرد بود و تمامی عمر خدمت حدیث صرف کرد. در ۷۴۰ق در سن ۹۴ سالگی وفات یافت. نک: الدرر الکامنه، ۲: ۱۱۷.

۳۶ شد الازار، ص ۴۵۲. ۳۷ بیاض، ص ۳۶ [ج ۱: ۸۷]؛ نام وی در عنوان چنین آمده است:

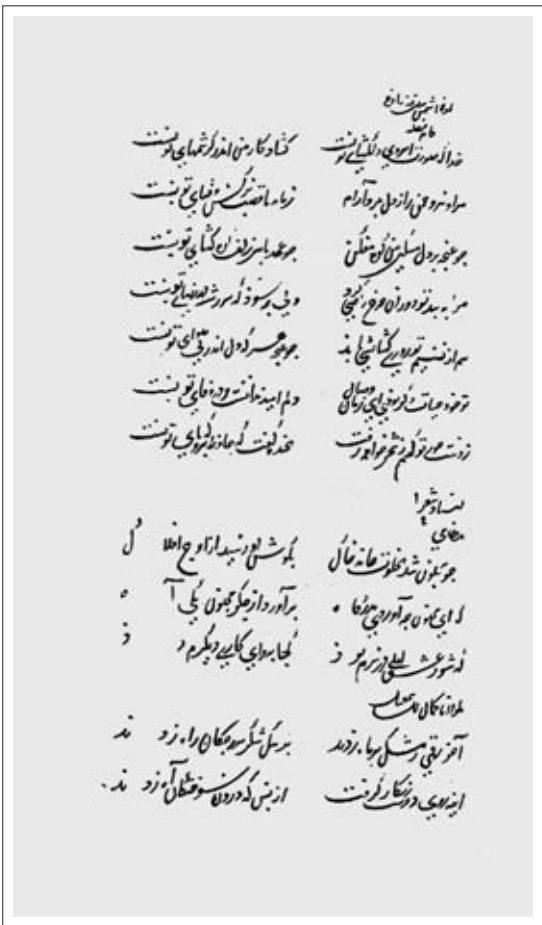
«قد جمعه المولی المرتضى الأعظم، علامة علماء العالم، زين الملة والدين على المدعو بسيد الشريف الجرجاني - اعلى الله قدره».

۳۸ امیر تیمور در ۷۸۹ق به شیراز آمد و در اول ذیحجه بر آن تسلط یافت. سپس شاه یحیی از یزد، سلطان احمد از کرمان، و ابواسحاق از سیرجان با تمام حکام ممالک فارس و کرمان و عراق در خدمت صاحب‌قران شرفیاب شدند. امیر هر یک از اراکین شاهانه نواخت و شیراز را به شاه یحیی سپرده در ۷۹۰ق خود به طرف خوارزم متوجه شد. مجمل فصیحی، ذیل حوادث سال ۷۸۹-۷۹۰ق.

۳۹ امیر معتمد علیه شاه شجاع بود. نک: قاسم غنی، تاریخ عصر حافظ، ص ۲۱۵، ۲۴۱، ۳۳۲، ۳۸۶.

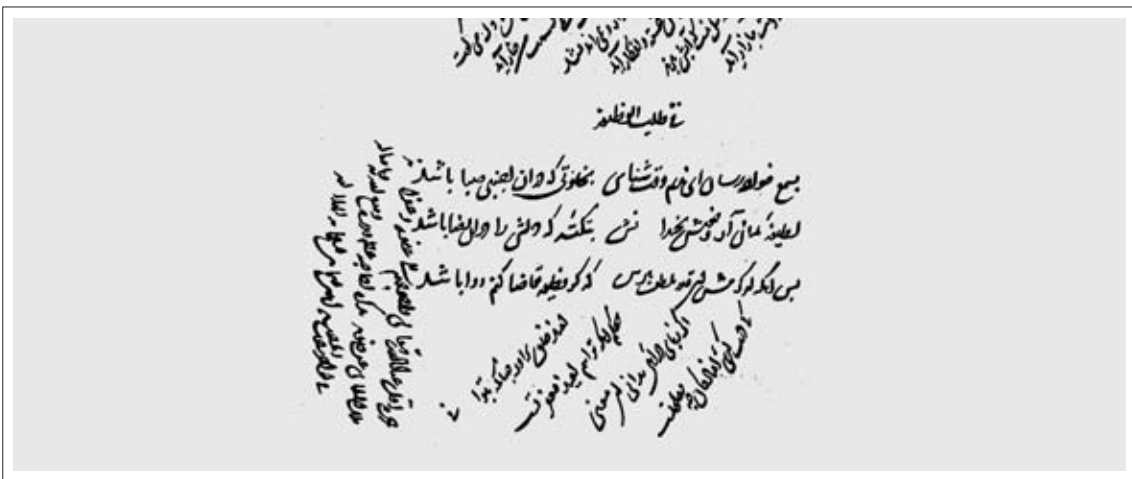


۱. چهار منظومه از حافظ ۴۰ در این بیاض آمده است:  
 الف - به خط شهاب الدین بن الصاحب المرحوم شمس الدین  
 محمد شهاب... لمولانا شمس الدین محمد الحافظ دام فضله،\*  
 خدا که صورت ابروی دلکشای تو بست  
 گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بست  
 ب - به خط احمد بن محمد الحسینی (بدون تعیین  
 نام و تخلص)،  
 بر تو خوانم ز دفتر اخلاق آیتی در وفا و در بخشش  
 ج - به خط مظفرالدین ملک السلمانی... مولانا  
 شمس الدین فرماید:



ت ۶: برگی از بیاض، به خط شهاب بن محمد شهاب، ۷۸۲ق (نسخه برگردان، ص ۴۲۷).

روضه خلد برین خلوت درویشانست<sup>۴۱</sup>  
 مایه محتشمی خدمت درویشانست  
 د - به خط مظفرالدین ملک السلمانی، بدون تصریح  
 نام شاعر... «فی طلب الوظیفه»،  
 به سمع خواجه رسان ای ندیم وقت شناس<sup>۴۲</sup>  
 به خلوتی که در آن اجنبی صبا باشد  
 لطیفه‌ای به میان آر و خوش بخندانش  
 به نکته‌ای که دلش را در آن رضا باشد  
 پس آنگه از کرشم این قدر به لطف بیرس  
 که گر وظیفه تقاضا کنم، روا باشد\*  
 این اشعار در حیات حافظ ثبت شده‌اند، بنابر این بسیار  
 قابل توجه‌اند.



ت ۷: برگی از بیاض، به خط مظفرالدین ملک سلمانی (نسخه برگردان، ص ۸۱۱).

۴۰ بیاض، ص ۴۳۷ [ج ۱: ۴۹۸ - ۴۹۹]، از نسخه گورکهور مقابله شد، اختلاف هم دیده شده.  
 - بیت ۱: «که» به جای «چو».  
 - پنجمین بیت بیاض، در دیوان ششمین بیت است و در آن «بوذی ای»، به جای «بوده» است.  
 ۴۱ ص ۷۹۶ [ج ۱: ۴۹۸]؛ در غزل بیاض و دیوان اختلاف زیاد است. در ترتیب نیز فرق دیده می‌شود. دو بیت دیوان در بیاض نیامده، یعنی «قصر فردوس بنده آصف علی» (الخ). علاوه بر آن بیت زیر زاید است:  
 گنج قارون که فرو می‌رود از قهر هنوز  
 خوانده باشی که هم از غیرت درویشان است  
 ۴۲ بیاض، ص ۸۱۱ [ج ۲: ۳۱۱]؛ این مجموعه در نسخه گورکهور نیست.



۲. قدیمی ترین مأخذ منشآت جلال‌الدین فریدون بن عکاشه<sup>۴۳\*</sup> منشی جلال‌الدین مسعود شاه اینجو و سلطان شاه اینجو همین بیاض است. رساله‌ای از وی «ربیعیه» با یک قصیده طولانی در مدح مسعود شاه به خط فضل‌الله ابن نظام آمده است. عنوانش این است:

هذه رسالة ربیعیة و قصیدة فی مدح الملک الشہید جلال‌الدین مسعود شاه من منشآت المولی السعید جلال‌الدین فریدون بن عکاشه - رحمهما اللہ تعالیٰ. الحمد للہ العلیٰ الاسماء محیی نبات الأرض بماء السماء والصلوة علی شمس فلک السماء محمد وآله الأکرمین، نجوم السنّ والسّنّاء ما طلع نجم باهر أو نجم طلع زاهر، تعالیٰ و تقدّس، مسبّب الأسبابی که عقل اول را که نخستین پرتوی از سُبُحات انوار جلال اوست... (الخ).

[ع ۶۴۷؛ چ ۲: ۱۵۶]

قصیده این‌گونه آغاز می‌شود:

بدہ ساقیا باده ارغوانی	فَقَدَ هَزَّ عِظْفِي غِنَاءَ الْغَوَانِي
وبادر الی الزّوض نَشْرِب وَنَطْرِب	بَسَجَع الْقِمَارِي وَرَجَعَ الْقِيَانِي
ایا لعل تو چشمه زندگانی	ويا وصل تو مایه کامرانی
جهان شد نوآئین شرابی کهن ده	کزو پیر یابد نوای جوانی
أَنْلِنِي مِنَ الْقَرْقَفِ الْوَرْدِ صَرْفًا	مدی العمرینسیک صَرْفَ الزَّمَانِي
خُذِ الْكَأْسَ وَاصْفَحْ عَنِ الدَّهْرِ صَفْحًا	اذا صافح الورد بالأرجوانِ
میان گل و لاله گلگون میی ده	که رخ را دهد گونه ارغوانی
چو مغنی ز چنگست نای چکاوک	مغْنِي هُمُو بَسِ مِيِي دِه مَغَانِي

[ع ۶۵۲-۶۵۶؛ چ ۲: ۱۶۰-۱۶۴] علاوه بر این قصیده طولانی عربی و فارسی که ۵۷ بیت دارد، خود رساله منشور جای جای با اشعار مزین است. ابیات زیر از آن فریدون عکاشه معلوم می‌شود:

سحاب از هوا باز گوهر فشان شد  
مگر دست دستور سلطان نشان شد  
چو پیرست در عهد طفل شکوفه  
عجب سال‌خورده جهان چون جوان شد  
چمن شد مزین چو تخت سلیمان  
سر نرگس تازه تاج کیان شد  
مگر طینت از آل عباس دارد  
بنفشه که نیلوفری طیلسان شد  
شهنشاه گل کشور آرای بستان  
به آئین دارای کشورستان شد

چورمخ جهانگیر مسعودشاهی به‌رزم اندرون لاله لعلی سنان شد سپهر جلالت که صیت جلالتش زمین پی سپر کرد و بر آسمان شد [ع ۶۴۸-۶۴۹؛ چ ۲: ۱۵۷-۱۵۸]

۳. فتح نامه اصفهان، به خط منشی الممالک جلال‌الدین. جلال‌الدین ظاهراً از شاه شجاع وابسته بود، چنانکه وقتی شاه محمود از برادر خود شاه شجاع در ۷۶۸ق در اصفهان شکست خورد<sup>۴۴</sup>، یک فتح‌نامه تهیه شده بود که مرتب آن ظاهراً همین جلال‌الدین بود. این فتح‌نامه در ۷۸۲ق بار دیگر خود به قلم جلال‌الدین درآمده و شامل بیاض تاج‌الدین احمد گردید. منشی علاوه بر فتح‌نامه، نامه‌هایی چند نیز در انتخاب خود شامل کرده و به تاج‌الدین احمد وزیر فرستاد. او خود می‌نویسد<sup>۴۵</sup>:

حرّرها منشیها تذکرة للولد المولی الصاحب الأعظم جلال الوزرا أنسب الوری قدوة اکابر الزّمان، مجمع انواع الفضائل النّفسانیّة، حاوی لباب الکمالات الانسانیّة تاج‌الدولة والدين احمد - اعلى الله قدره وطول عمره متعه بها و بأمنالها - أضعف عباد الله تعالی واحوجهم الی غفرانه حاجی المنشی - ختم الله له بالحسنی - فی رمضان المبارک لسنة اثنتین وثمانین و سبعمائة.\*

فتح نامه چنین آغاز می‌شود<sup>۴۶</sup>:

چون به عون عنایت ازلی و یمن سعادت لم یزلی ابواب فتح و نصرت بر چهره روزگار همایون ما گشاده و اسباب ظفر و پیروزی ایام میمون را آماده است لاجرم روی به هر مهم که می‌نهییم وفود توفیق مواکب کواکب عدد را ید و حادی می‌شود و عزم هر قضیه که مصمم می‌گردانیم جنود تأیید عساکر منصور را قاید و هادی می‌گردد (الخ).

کلمات خاتمه چنین است<sup>۴۷</sup>:

و این خبر به افاصلی و ادانی ممالک و دور و نزدیک مواضع برسانند و یقین داند که در تدبیر اسباب فراغ بال و تیسیر ابواب رفاغ حال ایشان بهمه غایتی خواهیم رسید و انواع مراحم و عواطف درباره عموم خلائق ارزانی خواهیم داشت، واللّٰه ولی العصمة والتوفیق... فی السابغ عشر من ذی الحجة لسنة ثمان و ستین و سبعمائة الهجرية باصفهان، والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله وصحبه اجمعین، ربّ اِخْتَم بِالْخَيْرِ وَالْحَسَنِ.\*

<sup>۴۳</sup> دو نسخه دیگر از مجموعه منشآت فریدون بن عکاشه دستیاب شده است، یکی نسخه مجلس شورای ملی، مورخ شعبان ۷۸۶، ش ۲۴۱ و دیگری جنگ آقای حاج

سید نصرالله تقوی که بعد از ۸۰۰ق مرتب شده بود.

<sup>۴۴</sup> نک: تاریخ عصر حافظ، ص ۲۴۸.

<sup>۴۵</sup> بیاض، ص ۵۲۸ [چ ۲: ۲۲]. <sup>۴۶</sup> در تاریخ عصر حافظ (ص ۲۴۸-۲۵۱) به چاپ رسیده است. <sup>۴۷</sup> بیاض، ص ۵۱۸ [چ ۲: ۱۲-۱۳].





وذاك لأن التمويه (عنه) وهم جاهلوا بواضح تمهاتند  
 فكيف لا طالع النفس في غيرهم صديق حيم ارحب ساجد  
 ولسه  
 اما اعلمت تدمل الرقادا وما للقلب تدالف التهادا  
 سالتهم عن الاميرين قالا ارقنا منذ فادنا سعادا  
 ولسه  
 مرخدم مع توجعناي زدمرا حقا كبرون زان سبج كزيت  
 درخدم كرهف وابل كمل حقا كبر لب سله لوان اسويت  
 ودرخدمه كورن حخت دستم بطلمه برآيه زان سبج كزيت  
 بسره واصل كزيت سبكان «وقد عزه برام برزيت  
 حظه منيت ما تكثر لله لعل اول الصاحب الاظلم جلال الله  
 انب آوري دهق اكارا قران مجمع انواع الفضائل انفسه  
 حادي لباب الكليات الانسانية تاج القلوب والقرن احد اعلى القلوب  
 وطول عروقه وشمه بارانها اضعف جهاد اعدائهم وانهجهم  
 الى عقوباتها من القسرة الله المحمدي في دعواتها كالتسبيح والتهليل

ت: ۸: برگي از بياض، به خط حاجي المنشي، ۷۸۲ ق (نسخه برگردان، ص ۵۲۸).

ورضي وملك منظم ملك السادة نظام الدين ملك محمد  
 زيب شاه، نذنا قراب ما وعصبة سادات وفضا وعلما  
 وبرايل ورايمه مشايخ وصدقا وصاب واهيان واکابر  
 واصل وپسويان وجمهور متوطنان وادامتک و الايات  
 فاکر کريم معني واهب شهيد و ابن خيرا بليغه وادارينه  
 مالک وده و توكيد مواضع سنانند و شير دانند کيلا  
 وده اسباب مخرج بال و سير ارباب و فاع حال ارباب همه  
 فاي خراسم رايند و انواع مرام و مرطفت و بان عزم پلايت  
 از ايزه حواسم دانت واته وني العصمة و القيص و هو  
 بتحنين رجال الاچين حنين کتسا لاله العال اعلا افعال  
 و اجله في الساجد من في الجبرک نهان و امير مساجير العمير  
 بصفتان  
 و الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلق الله  
 محمد وآله وصحبه اجمعين  
 بر ابيم محمد بن الحسين

ت: ۹: برگي از بياض (نسخه برگردان، ص ۵۱۸).



در هیچ دور لعل نشت  
سُغَر  
دست و دست عن غدر المغان

فانك والندی مُتلازمان

لقد حلت أمانی البرایا طرائق بحس طول الرمان

فصاح بذاک منج خیار نجر الی امی سنا الامار

ما نزل الراه سندار منی صلاح فی حسل

وقد فرغ من شهبه صلح نو معنی ببرک المعظم

منه من علی بن



۴. در بیاض مذکور اشعار سلطان ابوسعید (د. ۷۳۶ق) با عنوان زیر آمده است:

للسلطان الأعظم العادل المغفور ابوسعید بهادرخان  
— طاب ثراه<sup>۴۸</sup>:

نشست عشق تو بر تخت دل به سلطانی

نشانند بر در جان فتنه را به دربانی

سپاه محنت و غم را مثال رخصت داد

که در ممالک دل ها کنند ویرانی

عمارتی که لب کرد در ممالک دل

خراب می کند ابروی تو به پیشانی

هنوز بر سر آن نیستی که بنشینی

هنوز وقت نیامد که فتنه بنشانی

۵. ابیاتی از سید عزالدین مطهر شاعر ممتاز عهد شاه شجاع الدوله به تعداد زیاد در این بیاض نقل اند. یک قصیده طولانی به خط سید نظام الدین علی با عنوان زیر آمده است:

مرتضی ممالک اسلام امیر عزالدین مطهر راست

رای و روی ار چو عقل و جان باشد

رای و روی خدایگان باشد<sup>۴۹</sup>

این قصیده در مدح شیخ اویس در زمین قصیده سلطان ساوجی است، چند بیت این است:

شیخ اویس آنکه ملک و ملت را نام او نامه امان باشد

آنکه ذات مطهرش ز شرف جوهر کان کن فکان باشد

و آنکه رای منورش ز خرد یاور جان انس و جان باشد

وانم (؟) از زور دست معدلتش بازوی ظلم ناتوان باشد

چتر او آن سپهر گشت که مهر زیر ظل ظلیل آن باشد

(...)

طبع پاک مطهر از وصف چشمه مهر دُر فشان باشد

صفت مدح ذات اشرف تو پیکر نظم را روان باشد

(...)

من دعای منم کجا جابت را با دعای من اقتران باشد

(...)

آن چنان باد کافتاب ظفر با سعود تو هم قران باشد

باد حکم تو در جهان جاری

تا جهانست و تا جهان باشد

[ع ۳۷۴-۳۷۸؛ ج ۱: ۴۲۵-۴۲۸]

۶. عزالدین مطهر برای بیاض تاج الدین احمد یک انتخاب عرضه کرده بود که در آن بخشی از کلام خود وی آمده است. شرح آن چنین است:

یک قصیده راثیه طولانی است که در مدح شاه شجاع می باشد و در آن پنج بیت شاه شجاع به طور تضمین آمده است.

چند بیت آن آورده می شود:

حذر کن ای دل از آسیب روزگار حذر<sup>۵۰</sup>

که چرخ شعبده بازست و دهر حیلت گر

به هیچ وجه مبین مهر این سپهر دوروی

به هیچ باب منه دل درین سرای دودر

طمع مکن گهر خوشدلی و پیروزی

که هست طارم پیروزه نیک بد گوهر

(...)

به دست دیو شقا خاتم بقا مسپار

به پای پیک هوس شه ره هوا مسپار

(...)

متاع عمر گر انما میه رایگان مفروش

برای سود و زیان عشوه سپهر مخر

چو یادگار بشر نیست در جهان جز نام

به خیر کوش که نامت به خیر به که به شر

(...)

مجوی نام و نشان از فضای کون و مکان

مخواه امن و امان از سرای خوف و خطر

(...)

درین مفاوضه از شعر پادشاه جهان

جهان تعدلت و داد، جان فضل و هنر

(...)

جهان پناه فلک جاه خسروی که گرفت

فلک ز فرش قدر و جهان ز قدرش فر

به فعل تابع حکم خدا و دین رسول

به فضل جامع علم علی و عدل عمر

جلال دنیا و دین زیب ملک شاه شجاع

ابوالفوارس غازی پناه فتح و ظفر

به رسم تضمین این پنج بیت آوردم

که هست نزد خرد پنج گنج پُر گوهر

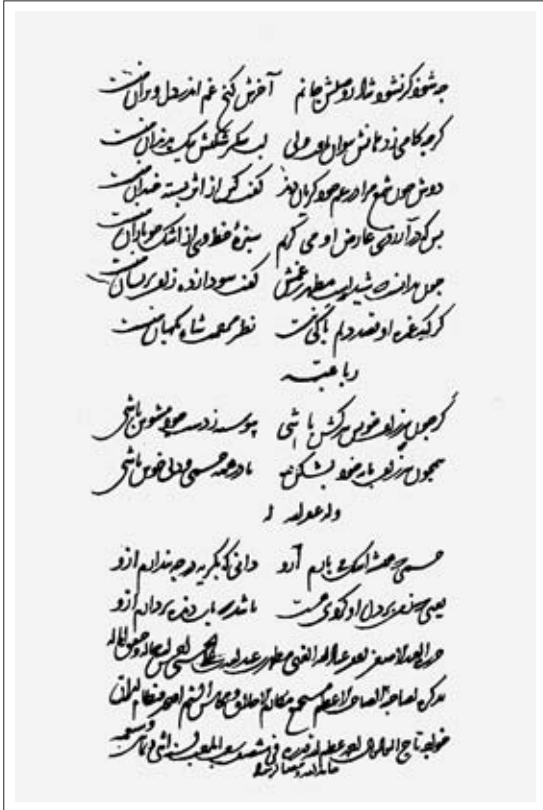
فراز قاف قناعت بگسترانم پر

که جز نشیمن سیمرغ نیستم درخور

<sup>۴۸</sup> به خط قاضی ابراهیم بن عبدالله، ص ۶۰۰ [ج ۲: ۱۰۲].

<sup>۴۹</sup> بیاض، ص ۳۷۴ [ج ۱: ۴۲۵]؛ این منظومه ۶۷ بیت دارد.

<sup>۵۰</sup> همان، گزیده از ص ۶۷۵-۶۷۹ [ج ۲: ۱۸۵-۱۹۰]؛ در این منظومه چهار بیت آمده است.



ت ۱۱: برگه از بیاض؛ مطهرین عبدالله حسینی؛ ۷۸۲ ق (نسخه برگردان، ص ۶۸۳).

حرّره العبد الأصغر، أفقر عباد الله الغنى، مطهر بن  
عبدالله بن علی الحسنی - احسن الله حاله و حقق  
آماله - تذکره لصاحبه الصاحب الأعظم مستجمع  
مکارم الأخلاق و محاسن الشیم [...] خواجه تاج‌الدوله  
والدین احمد - عظم الله قدره - فی منتصف رجب  
المرجّب لسنة اثنی و ثمانین و سبعمائه - حامداً لله  
و مصلياً لرسوله.\*

۷. یکی از شاعران این روزگار، مولانا نظام‌الدین حسن  
حسینی آملی، به فرمایش تاج‌الدین وزیر، انتخاب کلام عربی  
و فارسی خود را در بیاض درج نمود. خط وی بسیار پخته  
و پاکیزه است. هفت قصیده عربی و ده منظومه فارسی  
نقل شده است. نمونه یک غزل فارسی آورده می‌شود:

تا من گل وصلت را پُر بار نمی بینم  
وز دیده غم دیده جز خار نمی بینم  
در دست غمت زارم، بیچاره و بیمارم  
غم می خورم و خود را غم‌خوار نمی بینم  
ره سوی تو می جویم، دردا که نمی یابم  
در کوی تو می گردم، دیار نمی بینم

همای همت خود را ز بهر مرداری  
به کرسکان زمانه چرا کنم همسر  
بلاد مشرق و مغرب به دست آمده گیر  
همان بریم ز دنیا که برد اسکندر  
همه ممالک عزلت چو تختگاه منست  
کلاه عزت باقی مرا سزد افسر  
به یک توجه مردانه می رسم جایی  
که مرغ وهم خلائق بیفکند شهپر  
(...)  
جهان پناها در مدح ذاتِ ظاهر تو  
شدست شعر مطهر ز آب خضر اطهر  
ولی چو مهر ضمیرت شعاع علم زند  
کجا فروغ دهد نور ذره احقر  
(...)  
مطهرًا، چو به عجز اعتراف بنمودی  
رخ نیاز سوی قبله دعا آور  
[ع ۶۷۹؛ ج ۲: ۱۹۱]  
پس از آن یک قطعه دو بیتی، هفت غزل و دو رباعی آمده.  
انداز غزل این طور است:

ای رخ جان فروز تو داده فروغ دیده را<sup>۵۱</sup>  
وی ز لب تو زندگی جان به لب رسیده را  
هیچ در آفرینشت مثل نیافریده انس  
می کند آفرین خدا صُنع خود آفریده را  
زیبداگر ز جان و دل لات و منات هر نفس  
سجده کنند بنده وار این بت برگزیده را  
باغ بهشت عارضت جلوه حسن می دهد  
میوه نورسیده را سبزه تردمیده را  
دیده چو طاق ابرویت دید دل از میان جان  
راست چو ابروی کزت کرد قد خمیده را  
دم به دم از دو دیده ام سیل سرشک می رود  
هست فراغتی ز ما آن بت شوخ دیده را  
چیست که با مطهرت دل به وفا نمی کشد  
هم به کرم نوازشی یار جفا کشیده را  
اهمیت این ابیات به سبب آن بیشتر می شود که آن را  
خود شاعر انتخاب نموده است و به خط خود وی است  
همچنان که از ترقیمه روشن است<sup>۵۲</sup>:

۵۱ همان، ص ۶۸۰-۶۸۱ [ج ۲: ۱۹۲].

۵۲ همان، ص ۶۸۳ [ج ۲: ۱۹۴-۱۹۵].



گر تیغ کشی بر من، زنهار نمی خواهم

کاز خنجر خونریزت آزار نمی بینم

گویند که مه‌رویان چون یار تو بسیارند

من رو به یکی دارم، بسیار نمی بینم

از هر چه خبر دارم، جز دوست نمی دانم

در هر چه نظر دارم، جز یار نمی بینم

(...)

در پای تو سربازی بسیار نمی دانم

بر یاد تو جان دادن دشوار نمی بینم

من رند خراباتم دُردی کش بی حاصل

مستم، نفسی خود را هشیار نمی بینم

دورم ز حُسن، آری در حُسن تو حیرانم

سر چشمه خورشیدم، انوار نمی بینم

[ع ۸۲۳-۸۲۴؛ ج ۲: ۳۲۱]

۸. ناصرالدین خطیب شفعی<sup>۵۳</sup> شاعر همین دوره است.

او برای مجموعه تاج‌الدین وزیر انتخابی آماده کرده که در

آن از اشعار عربی و فارسی شاعران دیگر، کلام خود را نیز

جا داده است. او علاوه بر عربی و فارسی، در لهجه

شیرازی نیز شعر می‌سرود. قصیده‌ای در مدح سلطان

مظفرالدین شبلی<sup>۵۴</sup> دارد که در آن هر سه زبان را به‌کار برده

است. این قصیده تاریخی از هر لحاظ قابل ذکر است.

این منظومه ملمع است. یک بیت به‌عربی، دیگری

به‌فارسی و سومی در لهجه شیرازی است. در مجموع این

قصیده ۳۹ بیت دارد که در آن ۱۳ بیت به‌عربی، ۱۳ بیت

به‌فارسی و ۱۳ بیت در لهجه شیرازی است.

وله<sup>۵۵</sup> فی مدح السلطان الأعظم مظفرالدین شبلی

— خلدالله سلطانه — ملمعاً عن الألسنة الثلاثة عربياً

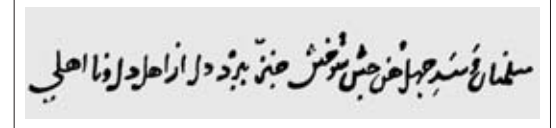
و فارسياً و شیرازاً.\*

إذا تعرق بالراح غرة الخيل

بدت على ورق الورد قطرة الطل

بس است جان مرا در شراخانه شوق

به‌نقلی از لب معشوقه نکته‌نقلی



سه بیت زیر نیز در مدح شبلی است:

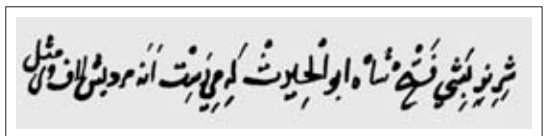
هو الولی وللملک عدله وال

هو العلی وللدین امره معلی

خدا یگان سلاطین شرق و غرب جهان

مظفر حق و دنیا و ملک و دین شبلی

[ع ۳۴۷؛ ج ۱: ۳۹۵]



■ ت ۱۲

یک غزل خطیب در زیر آورده می‌شود تا طرزش

معلوم شود<sup>۵۶</sup>:

چو ذره‌ام ز هوا غیر از اضطراب نبود

به مهر روی تو روزی که آفتاب نبود

الست عشق ترا آن زمان بلی گفتم

که نفس ناطقه را قدرت جواب نبود

بر آب نقش رخت چشم من دمی می‌زد

که هیچ نقش ز هستی به غیر از آب نبود

ز وصل و هجر توام بود امید و بیم آن روز

که هیچ آیتی از رحمت و عذاب نبود

نصیبم از تو به معنی در آن نفس دادند

که حد صورت هستی درین نصاب نبود

چو عارضت عرق از روی نازکی می‌کرد

نشان رنگ گل و رشحه گلاب نبود

دلَم ز موج محبت غریق بود آن دم

که بر محیط وجود این همه حباب نبود

غمت به خون دل آن دم خضاب کرد رُخم

که بر افق ز شفق گونه خضاب نبود

گهی به چشم دلت بی حجاب می‌دیدم

که پیش دیده‌جانم ز تن حجاب نبود

صبحی از می‌مهر تو آن زمان زد دل

که در طبیعت رز طینت شراب نبود

از ارث دل تن من کسب کرد مهر رُخت

گهی که خود رقم ارث و اکتساب نبود

مرا جوانی حسن تو پیر کرد آن عهد

که ضعف شیب و توانائی شباب نبود

<sup>۵۳</sup> بیاض، ص ۳۲۲ [ج ۱: ۲۸۳].

<sup>۵۴</sup> بیاض، ص ۳۴۶ [ج ۱: ۳۹۳]؛ فرزند شاه شجاع بود. در ۷۸۵ق به فرمان شاه شجاع اول دستگیر و سپس کورش کردند. در ۷۹۵ق تیمور، او و برادر دومی او زین العابدین را به‌سمرقند برد و همانجا هر دو به‌طور طبیعی درگذشتند. [تاریخ عصر حافظ، ص ۳۱۲].

<sup>۵۵</sup> همانجا. <sup>۵۶</sup> همان، [ص ۳۴۹-۳۵۰]؛ خطیب منظومه‌های عربی خود را نیز در این انتخاب شامل کرده است.



کتاب عشق تو آن روز خواندم که هنوز

ز کاف و نون رقم بود بر کتاب نبود

خطیب خطبهٔ وصف رخ تو وقتی خواند

که در میان ز بیان نسخهٔ خطاب نبود

۹. در میان شرکاء بیاض تاج‌الدین احمد یک نفر از

اولاد صاحب هدایه، ابواحمد عمادالدین بن عصام‌الدین

ابن ابی‌بکر بن محمد بن عبدالرحیم بن ابی‌بکر بن علی

(صاحب هدایه) نیز بود. او در همان ایام از سمرقند

به‌غرض رسالت در ۱۱ شعبان ۷۸۲ به شیراز آمده بود،

همچنان که از بخش انتخاب او عیان است<sup>۵۷</sup>:

هذا ما وُثِّحَ به المولى الأعظم شيخ الإسلام الأعم

الأكرم المستغنى عن الألقاب، عماد الملة والدين

عبدالملك السمرقندی حين شرف خطة الشيراز رسولاً

من سمرقند فى الحادى عشر من شعبان المعظم لسنة

اثننتين وثمانين و سبعمائة.

او نام خود را چنین نوشته است<sup>۵۸</sup>:

کاتب هذه السطور ابواحمد عماد بن عصام بن ابی‌بکر

ابن محمد بن عبدالرحیم بن ابی‌بکر بن علی صاحب

الهدایة - رحم الله الماضی و عصم الباقي.

شیخ ابواحمد عمادالدین احتمالاً در ۷۸۲ ق به‌عنوان

سفیر تیمور آمده و پس از چند سال، تیمور خود به شیراز

آمد اما این خطه از قتل و غارت او مصون ماند.

انتخاب شیخ عمادالدین مختصر است. چند حدیث

به‌روایت پدر خود عصام‌الدین نقل کرده، سپس سه منظومهٔ

مختصر عربی و یک غزل از او به فارسی آورده است:

دارد صفای کعبهٔ مقام خلیل ما

آیسا بدان مقام که باشد دلیل ما

از ما طواف کعبهٔ کویش بعید نیست

زانجا که هست قوت سعی جمیل [ما]

روزی که ما ز مرحلهٔ خاک بگذریم

باشد به‌سوی جنت کویش رحیل ما

باغ بهشت ما چمن روی دلبرست (?)

خاکش حنا و مشک و ... (?)

در باختم جوهر جان را ولی چه سود

کسو ملتفت نشد به‌متاع قلیل ما

شوری است در میانهٔ ارواح دوستان

از حسرت لب نمکین خلیل ما

یارب چه حکمتست که درمان‌پذیر نیست

چشم سقیم دلبر و چشم علیل ما

یار عزیز یوسف مصر ملاحظت است

جایش کنار دیدهٔ چون رود نیل [ما]

دلدار بر مزار عصامی گذشت و گفت

دارد نشان عشق مزار قتیل ما

[ع ۴۴۵-۴۴۶؛ ج ۱: ۵۰۶]

۱۰. دو قطعه از رکن‌الدین عمیدالملک در مجموعهٔ

تاج‌الدین آمده است. این قطعه به‌خط جلال‌الدین

نعمان بن محمد بن اصیل و تاریخ آن شعبان ۷۸۲ می‌باشد.

به‌قول بعضی این عمیدالملک وزیر شیخ ابواسحاق اینجو

بود که در ۷۴۷ ق همراه امیرکمال‌الدین حسین نوهٔ خواجه

رشیدالدین فضل‌الله، وزیر مقرر شده بود.<sup>۵۹</sup> او ممدوح

عبید زاکان بود و منظومه‌های متعدّد در دیوان عبید موجود

است. از قطعه‌های زیر عمیدالملک معلوم می‌شود که او

نیز ذوق شعر داشت<sup>۶۰</sup>:

ترسایچه‌ای که هر که در شهر

سرمست می‌مغانهٔ اوست

خاصیت آب زندگانی

در خاک شرابخانهٔ اوست

[وله]

ساروان را دوش گفتم ماه بی مهرم کجاست

گفت کان محمل‌نشین در کاروانی دیگرست

گفتم از دورش توانم دید، گفت از من میرس

کان زمام اکنون به‌دست ساروانی دیگرست

۱۱. در شرکاء بیاض دو فرزند از رکن‌الدین عمیدالملک

ابن شمس‌الدین محمود بن صاین قاضی بودند؛ یکی:

علاء‌الدین جمال‌الملک، و دیگری: محمود بن عمیدالملک

بود. نام اول‌الذکر در عنوان بدین گونه آمده است<sup>۶۱</sup>:

الصاحب الأعظم بقية اکابر الأمم مولانا علاء الملة

والدين جمال‌الملک ابن‌الصاحب الأعظم السعيد

خواجه عمیدالملک - عظم قدره و رحم آباء و جدّه.

و در آخر خود علاء‌الدین نام خویش را چنین نوشته است:

کتبه اقل خلق الله و أحوجهم الى رحمته و غفرانه العبد

المذنب الضعيف جمال‌الملک [ابن] عمیدالملک

محمود صاین قاضی - غفر الله لهم فی ثانی رمضان المبارک

لسنة اثننتين و ثمانين و سبعمائة بدارالملک شیراز.

[ع ۶۳۸؛ ج ۲: ۱۴۱-۱۴۲]

<sup>۵۹</sup> مجمل فصیحی، ذیل حوادث ۷۴۷ ق.

<sup>۵۸</sup> همان، ص ۴۴۶ [ج ۱: ۵۰۶].

<sup>۵۷</sup> همان، ص ۴۴۱ [ج ۱: ۵۰۳].

<sup>۶۱</sup> همان، ص ۶۲۱ [ج ۲: ۱۲۹].

<sup>۶۰</sup> بیاض، ع ۴۵۷ [ج ۱: ۵۱۶].

در عنوان، نام برادرش بدین صورت دیده می‌شود:  
للمولی صاحب الأعظم جامع فنون الشرف الأصيل  
و صنوف الفضل والکرم [جمال] الدولة والدین  
محمودبن عمیدالملک سمنانی. [ع ۶۸۴؛ ج ۲: ۱۹۷]  
سپس تاریخ کتابت یکم شوال ۷۸۲ بدون نام [کاتب]  
آمده است.

چون معلوم است که عمیدالملک وزیر سمنانی است<sup>۶۲</sup>  
و پدرش محمود و جدش صاین، قاضی بودند و همین نسبت  
(به حذف سمنانی) با نام علاءالدین آمده و نسبت وطنی،  
سمنانی، با نام برادرش موجود است، لذا هیچ اشکالی در  
بودن فرزند رکن‌الدین عمیدالملک نمی‌باشد.

از انتخاب علاءالدین به خوبی معلوم می‌شود که تاج‌الدین  
از وی التماس نوشته‌ای کرده بود. چنانکه می‌نویسد:

وبعد فقد التمس منی باثبات هذه الأسطر صاحب الكتاب،  
الصاحب الأعظم الأفضل الأعلّم جامع الكمالات،  
مجمع السعادات، مرضی الأفعال، محبوب الخصال،  
المستغنی عن الألقاب تاج الدولة والدین احمد -  
احمد الله عواقبه واعز الله انصار دولته - فأثبتها تذكرة له.  
[ع ۶۲۲؛ ج ۱۳۰: ۲]

این انتخاب حاوی اقوال و اشعار عربی و حکایات و  
ابیات فارسی می‌باشد. خط بسیار پخته، پاکیزه و صاف است.  
عجب این است که به جای «ذال»، «دال» به کار برده است  
در حالی که در بیشتر جاهای بیاض، ذال مورد استفاده قرار  
گرفته است.

انتخاب محمودبن عمیدالملک سمنانی مشتمل بر  
حدیث و قول مختصر و اشعار عربی و فارسی است.  
خط او مانع به نستعلیق، بسیار پخته و روشن است و در  
مقابل برادرش، ریز است. برادرش انتخاب خود را به تاریخ  
دوم رمضان تمام کرد و محمود در یکم شوال.

۱۲. رکن‌الدین صاعدبن محمودبن صاعد نیز در  
بیاض تاج‌الدین احمد شرکت داشت. او از فضیلتی ممتاز  
روزگار شاه شجاع بود. در ۷۸۹ق وقتی تیمور به غرض  
ایلغار به اصفهان<sup>۶۳</sup>، بیرون از اصفهان بود، از اکابرین شهر  
که با او دیداری داشتند، یکی نام رکن‌الدین صاعد نیز در  
میان آنان دیده می‌شود. انتخابش بسیار مختصر است  
و مشتمل بر یک واقعه المنتظم می‌باشد. این واقعه، پیش

از این در این بیاض دوبار آمده است.<sup>۶۴</sup> تاریخ کتابت  
رمضان ۷۸۲ است. خط صاعد پاکیزه است.

۱۳. قوام‌الدین ابوالمعالی محمودبن صاعدبن  
محمودبن صاعد به ظن قوی پسر رکن‌الدین صاعد بود.  
او یک انتخاب مهم نثر و نظم عربی برای بیاض تاج‌الدین احمد  
آماده کرده بود و به خط خود به تاریخ ۱۸ ذی‌قعدة ۷۸۲ شامل  
بیاض کرد. این انتخاب متنوع و قابل توجه است.

[ع ۷۳۲؛ ج ۲: ۲۴۹ - ۲۶۶]

۱۴. چند ابیات از شاه شجاع به خط شرف‌الدین زاهد  
قیری، در شیراز به تاریخ ۲۲ رجب ۷۸۲، در بیاض تاج -  
الدین احمد آمده است. اشعار با عنوان زیر نقل شده  
است:<sup>۶۵</sup>

من نتائج الخاطر الخاقان السلطان الأعظم خليفة  
العرب والعجم مالك رقاب الأمم قهرمان الماء والطين  
المخصوص بعناية رب العالمين جلال الحق والدنيا  
والدين ابى الفوارس شاه شجاع - خلد الله ملكه و  
سلطانه و خلافته.

چه شد جانا بدین گرمی که سوزم در نمی‌گیرد

مگر فریاد مهجوران ترا در سر نمی‌گیرد

فروغ آتش رویت همی سوزد جهان جان

عجب دایم که سوزم در آن کشور نمی‌گیرد

مرا در دیست اندر دل که درمان بر نمی‌تابد

ترا نازیبست اندر سر که عالم بر نمی‌گیرد

در بیاض مذکور چند افاضل از خانواده «فالی»  
شریک بودند که در میان آنان افراد قابل ذکر به قرار زیراند:  
۱. قاضی قضاة الاسلام قطب‌الدین محمد فالی  
(ص ۵۶ تا ۶۱) [ج ۱: ۱۰۶-۱۰۸].

قطب‌الدین محمد<sup>۶۶</sup> (د. ۷۲۱ق) جد قاضی قطب‌الدین  
از اکابر علماء قضاة به‌شمار می‌رفت. پدرش صفی‌الدین  
ابوالخیر مسعودبن محمودبن ابی‌الفتح یک شخصیت  
شهره آفاق و برادر دائی‌زاد عمیدالدین اسعدبن نصر  
افزری<sup>۶۷</sup> فالی وزیر اتابک سعد زنگی بود. ذکرش در  
شدال‌آزار، شیرازنامه و تاریخ وصاف و... آمده است.  
محمد فالی که در ۷۸۲ق به قید حیات بوده، خود صاحب  
علم بزرگ و صاحب ذوق بود. در انتخابش چند منظومه  
عربی وی آمده است (ص ۳۷ - ۵۵) [ج ۱: ۸۹ - ۱۰۵].

<sup>۶۳</sup> نک: تاریخ عصر حافظ، در ذیل نام رکن‌الدین عمیدالملک. ص ۳۸۲.

<sup>۶۴</sup> بیاض، ص ۱۲۰ [ج ۱: ۱۵۹ - ۱۶۰]؛ کاتب ابوالکرام محمد فالی است.

<sup>۶۵</sup> نک: تاریخ وصاف، ص ۱۵۰، شدال‌آزار، ص ۲۱۵ (متن و حاشیه)؛ حواشی

<sup>۶۶</sup> شدال‌آزار، ص ۵۱۷؛ عمیدالدین ابونصر مؤلف قصیده اشکوانیه است که شرح آن را قطب‌الدین محمد سیرافی نوشته است. ابویکر زنگی در ۶۲۳ق عمیدالدین را زندانی کرد  
و در همان حالت در ۶۲۴ق به قتل رساند. عمید در حال حبس قصیده مشهور خود را سروده که به قصیده اشکوانیه شهرت دارد.

<sup>۶۲</sup> نک: تاریخ عصر حافظ، در ذیل نام رکن‌الدین عمیدالملک.

<sup>۶۴</sup> بیاض، ص ۱۲۰ [ج ۱: ۱۵۹ - ۱۶۰]؛ کاتب ابوالکرام محمد فالی است.

<sup>۶۶</sup> نک: شدال‌آزار، ص ۴۳۲؛ شیرازنامه، ص ۱۹۱.



توضیح درباره مقاله تاج‌الدین احمد وزیر:

الف) از زمان پیدا شدن نسخه خطی بیاض تاج‌الدین احمد وزیر، و سپس تر انتشار آن توسط استاد ایرج افشار و آقای مرتضی تیموری، تاکنون چندین مطلب مهم درباره آن نوشته و منتشر شده است. از قدیم‌ترین و مهم‌ترین نوشته‌هایی که اطلاع داریم - به ترتیب تاریخ انتشار و عمده براساس نوشته استاد افشار - عبارتند از:

(۱) ۱۳۲۰. نفیسی، سعید، دیوان قصائد و غزلیات معین‌الدین جنید شیرازی. تهران: کتابفروشی و چاپخانه مرکزی. ص ۶-۱۴ (و جای‌های دیگر).

(۲) ۱۳۲۲. غنی، قاسم، بحث در آثار و افکار و احوال حافظ. تهران: زوار. ص لد، ۹، ۲۰، ۱۳۲، ۱۹۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۴۸، ۳۱۳ و ۳۳۰.

(۳) ۱۳۴۴. معلّم حبیب‌آبادی، محمدعلی، «جنگ کتابخانه شهرداری اصفهان»، وحید، س ۲، ش ۸: ۵۰-۵۶.

(۴) ۱۳۴۴. دانش‌پژوه، محمدتقی، نشریه نسخه‌های خطی. به‌کوشش ایرج افشار، محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۴: ص ۴۷۰-۴۷۱.

(۵) ۱۳۴۸. دانش‌پژوه، محمدتقی، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱: ۶۸۴-۶۹۱.

(۶) ۱۳۵۱. تیموری، مرتضی، «جنگ تاج‌الدین احمد وزیر، یکی از نفیس‌ترین نسخه‌های خطی جهان»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، س ۷، ش ۸، ص ۳۳-۴۷.

(۷) ۱۳۵۳. انتشار نسخه عکسی «بیاض تاج‌الدین احمد وزیر». به‌کوشش ایرج افشار، مرتضی تیموری. اصفهان: دانشگاه اصفهان. ۱۵، ۹۲۷ص. (با دو مقدمه جداگانه)

(۸) ۱۳۸۱. انتشار متن حروفی بیاض تاج‌الدین احمد وزیر. به‌کوشش علی زمانی علویجه. قم: مجمع ذخائر اسلامی. ج ۲.

(۹) ۱۳۸۲. ذاکرالحسینی، محسن، «سفینه تاج‌الدین احمد وزیر»، نامه فرهنگستان، دوره ششم، ش ۱ (تیر ماه)، پیاپی ۲۱: ۱۴۳-۱۶۳.

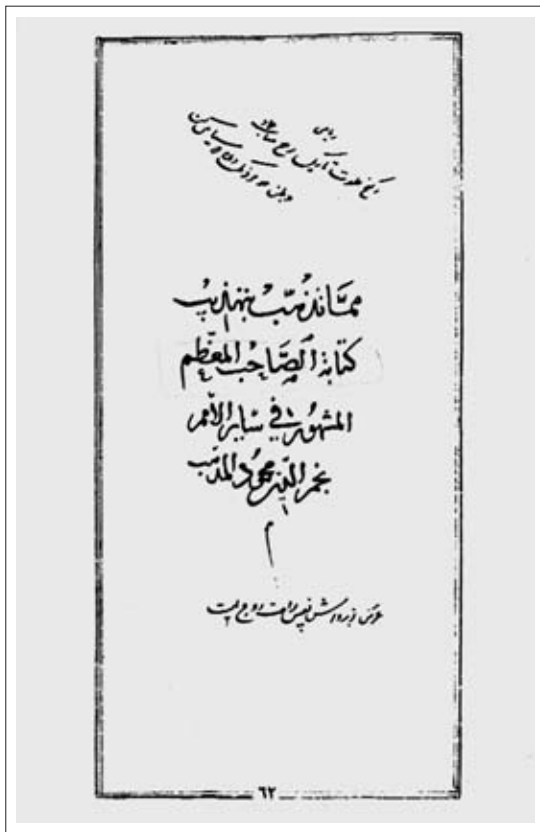
(۱۰) ۱۳۸۲. افشار، ایرج، «جستاری در نسخه‌شناسی بیاض (سفینه) تاج‌الدین احمد وزیر (مورخ ۷۸۲ق)»، نامه بهارستان، س ۴، دفتر ۷-۸: ۳۵-۵۳.

(۱۱) ۱۳۸۳. تیموری، مرتضی، «بازدید بیاض تاج‌الدین احمد وزیر»، نامه بهارستان، س ۵، دفتر ۹-۱۰: ۳۵۸-۳۵۹.

ب) تمام ارجاعاتی که در متن مقاله استاد نذیر احمد به نسخه عکسی بیاض داده شده مجدداً با اصل آن مطابقت داده شده. بعضاً در این تطابق‌ها سهوالقلم‌هایی از سوی نویسنده دانشمند مقاله و همچنین مترجم فاضل دیده شد که جملگی بدون اشاره در پانویس، در متن مقاله اصلاح شده است. این موارد اندک بوده است.

ج) در متن مقاله، تمام ارجاعات به هر دو متن منتشر شده عکسی و حروفی بیاض آورده شده، و این موارد هم با قلاب [ ] مشخص شده است. حرف (ع) نشان اختصاری نسخه عکسی است، و (ج) نسخه چاپی.

د) چون متن و ترجمه یادگارِ قلمی دو دانشمند ایران‌دوست و ادیب هندی است، پس مناسب دیده شد که نثر ترجمه تا حد ممکن عیناً نگاه داشته شود.



برگی از بیاض؛ به خط و تذهیب نجم‌الدین محمود المذهب (نسخه برگردان، ص ۶۲).